

چالش فرضیه مادربزرگی

زهره نظام محله

چکیده:

میان فرضیات و نظریات فراوانی که در انسان شناسی به منظور تمایز انسان از دیگر انسان گونه ها عنوان می شود می توان به فرضیه مادربزرگی و شکارچی اشاره کرد که تأکیدی بر طول عمر بیشتر انسان نسبت به دیگر نخستی ها بوده است. البته میان این دو فرضیه تا کنون اختلاف زیادی وجود داشته است و هر یک جنبه های مختلفی از انسان را مورد بررسی و مطالعه قرار داده اند.

کلید واژگان: انسان گونه ها، نخستی ها، انسان، فرضیه مادربزرگی، فرضیه شکارچی، طول عمر

مقدمه:

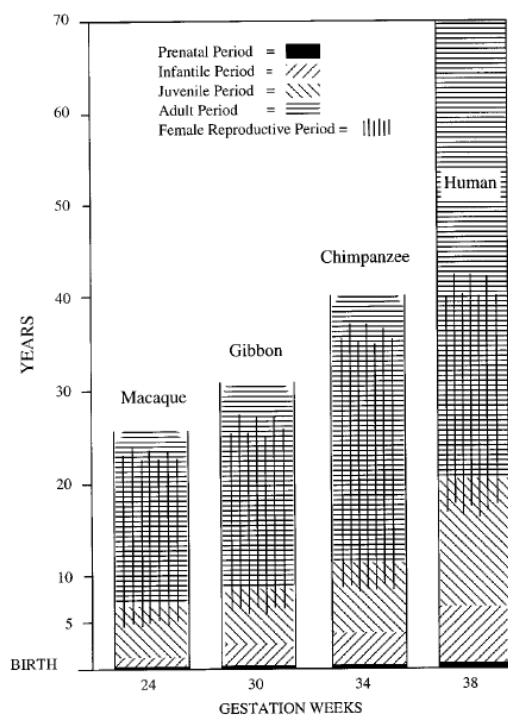
وقتی ما صحبت از انسان می کنیم در واقع خود را در ورطه پهناوری از معانی این مفهوم می اندازیم که چالش های زیادی در تعاریفش وجود دارد. و برای اینکه از ماهیت این مفهوم (انسان) سردرآوریم می بایست آن را با مشخصه هایی که او را از غیرانسان متمایز می نماید بشناسیم.

در زبان علمی (دیرین شناسان انسانی) بیشتر از واژه هایی مانند انسان گونه ها مانند استراپیتک ها، هومواریکتوس ها و انسان مدرن استفاده می کنند تا بتوانند راحت تر این مسیر پرتلاطم انسانی را تحلیل نمایند.

میان مفاهیم فراوان مورد استفاده در این رشته که تلاش می کند تمایز انسان را از دیگر گونه ها مشابهش (نخستی ها) متمایز نماید؛ طول عمر است. تاکنون میان دو نظریه ای که در مورد طول عمر مطرح شده بود؛ یکی «فرضیه مادربزرگی» و دیگری «فرضیه شکارچی» اختلاف وجود داشته است که در ادامه به هر یک پرداخته خواهد شد.

فرضیه مادربزرگی:

فرضیه مادربزرگی در واقع وجود یائسگی را توضیح می دهد، که در طول تاریخ زندگانی بشر میان گونه های پستانداران نادر بوده است. البته چیزی که مورد تاکید قرار گرفته، چگونگی دوره طولانی پس از باروری (بیش از یک سوم طول عمر یک زن) بوده که می تواند به عنوان یک مزیت تکاملی در نظر گرفته شود.¹ همان طور که (تصویر یک) نشان می دهد انسان در مقایسه با دیگر گونه ها طول عمر بیشتری پس از اتمام دوره باروری اش داشته است.²



تصویر ۱: دوره قبل از تولد، دوره نوزادی، دوره جوانی، دوره بزرگسالی، دوره باروری جنس مونث

¹ http://en.wikipedia.org/wiki/Grandmother_hypothesis

² Grandmothering, menopause, and the evolution of human life history, k.hawks and other

جی. سی ویلیامز در مطرح کردن این قضیه که یائسگی می تواند نوعی سازگاری محسوب شود اولین نفر بوده است. وی پیشنهاد کرد که در برخی موارد، در طول تکامل، این امر برای زنان تبدیل به بک مزیت شده است که به آنها کمک می کند تا توانایی هایشان را میان مراقبت از فرزندان موجود و تولد فرزندان جدید تقسیم کنند. در حالی که به همان اندازه که احتمال مرگ مادر وجود داشته، مرگ فرزندان وابسته به او نیز محتمل بوده است. در نتیجه بهتر بود که مادران مسن تر به جای تولد نوزادان جدید بر نگهداری از فرزندانی که متولد شده اند، متمرکز شوند. با این کار، آنها از خطر مرگ در حین زایمان جلوگیری می کنند و در نتیجه، یک تهدید بالقوه در ادامه بقا فرزندان موجود را از بین می برند.

اگر این فرضیه مادربزرگی - مبتنی بر کمک مادربزرگ به دخترش در تغذیه نوه ها در پی از شیر گرفته شدنشان - درست باشد می بایست زنان پس از یائسگی به کار بعد از قطع باروری ادامه دهند و از عایداتی که توسط خویشاوندانشان حاصل می شود، استفاده کنند. در نتیجه دختران می توانند فرزندان بیشتری در فواصل زمانی کوتاه تری به دنیا بیاورند. بدین منظور مطالعاتی در مورد زنان هادزا که توسط کریستین هاگز، استاد انسان شناسی در دانشگاه یوتا انجام شد به عنوان شواهد ارائه گردید. اما آنها نشان ندادند که این رفتار مادربزرگ، میزان سازگاری را افزایش می دهد. علاوه بر آن نقش مردان هادزا نیز که در ۹۶ درصد متوسط مصرف روزانه پروتئین شرکت داشته اند، نادیده گرفته شد. بنابراین نقدهای متعددی در نشریات به این مطالعه انجام شد.^۳

در مجموع، راجع به این فرضیه می توان گفت؛ انسان ها در میان نخستی ها منحصر به فرد بوده از این نظر که زنان عمر بیشتری را پس از دوره باروری داشته اند و این دوره طی سالها افزایش یافته است. فرضیه مادربزرگی بر این عقیده است که افزایش طول دوره پس از یائسگی طی سالها مزیتی را برای انسان ها فراهم نموده که بتوانند در اثر انتخاب طبیعی گستره عمر طولانی تری را داشته باشند.

یکی از مزایایی که گونه انسانی در میان دیگر نخستی ها داشته دوره باروری بیشتر و دوره طولانی تر پس از یائسگی است. همین مزیت این امکان را از نظر طبیعی برایش فراهم نموده تا گستره عمر طولانی تر و در نتیجه بقای اصلح داشته باشد. فرضیه مادربزرگی بیان گر این مطلب است که انتخاب طبیعی، باعث بقای گروهی گردیده که این

³ http://en.wikipedia.org/wiki/Grandmother_hypothesis

مزیت یعنی دوره طولانی تر یائسگی را داشته اند. و در نتیجه گروهی نظیر مادر بزرگ ها را در اختیار داشته تا بتواند از فرزندان مراقبت کرده و مادر را به منظور نگهداری از کودکان یاری نمایند. که به دنبال این قضیه و سازش ایجاد شده با طبیعت انرژی بیشتری برای بقا حفظ شود. نقش مادر بزرگ در این بین بسیار پراهمیت است از این نظر که یک؛ مادر در هنگام جست و جوی غذا نیاز به حمل بچه ندارد و در نتیجه انرژی کمتری مصرف می کند و زمان کمتری را صرف جست و جوی غذا می کند دوم؛ مادر بزرگ با غذا دادن به بچه کمک می کند که فرایند از شیر گرفتن کودکان زودتر اتفاق بیفتد. زودتر از شیر گرفتن کودک باعث می شود که طول دوره بین دو بارداری کاهش یابد و امکان باروری مجدد مادر بیشتر شود.⁴

فرضیه شکارچی - گردآورنده:

فرضیه شکارچی یکی دیگر از فرضیات افزایش طول عمر انسان نسبت به دیگر انسان گونه هاست. مطابق آن تکامل انسان وابسته به شکار بوده است و البته شکار حیوانات بزرگ و سریع. اهمیت این حقیقت برای مراحل نهایی ظهور گونه انسانی بعد از استرال اپیتک از حدود ۲,۵ میلیون سال پیش در؛ روی دوپا راه رفتن، ساخت ابزار سنگ و در نهایت کنترل آتش است.

یعنی فرضیه شکارچی بر این اساس بوده که با پایان یافتن منابع غذایی برای اجداد انسان در آفریقا، مهارت شکار در پیدا کردن مواد غذایی بسیار بهتر شد. این امر منجر به انتخاب طبیعی برای مغزهای بزرگتر با قابلیت یادگیری شیوه های شکار و استفاده هوشمندانه از سلاح های شکار شد و زنان با مردانی جفت می شدند که می توانستند گوشت تهیه کنند .

این بزرگتر شدن اندازه مغز در اجداد انسانی یک عامل اساسی در افزایش طول عمر انسان نسبت به دیگر گونه های انسانی بوده است.⁵

⁴ <http://rsps.royalsocietypublishing.org/content/early/2010/08/24/rsps.2010.1247>

⁵ http://en.wikipedia.org/wiki/Hunting_hypothesis

منابع:

- ❖ K.hawkes and others, **Grandmothering, menopause, and the evolution of human life histories**, Vol. 95, pp. 1336–1339, February 1998
- ❖ A.friederik kachel and others, vol. 278, 384-391, 2011
- ❖ www.wikipedia.org